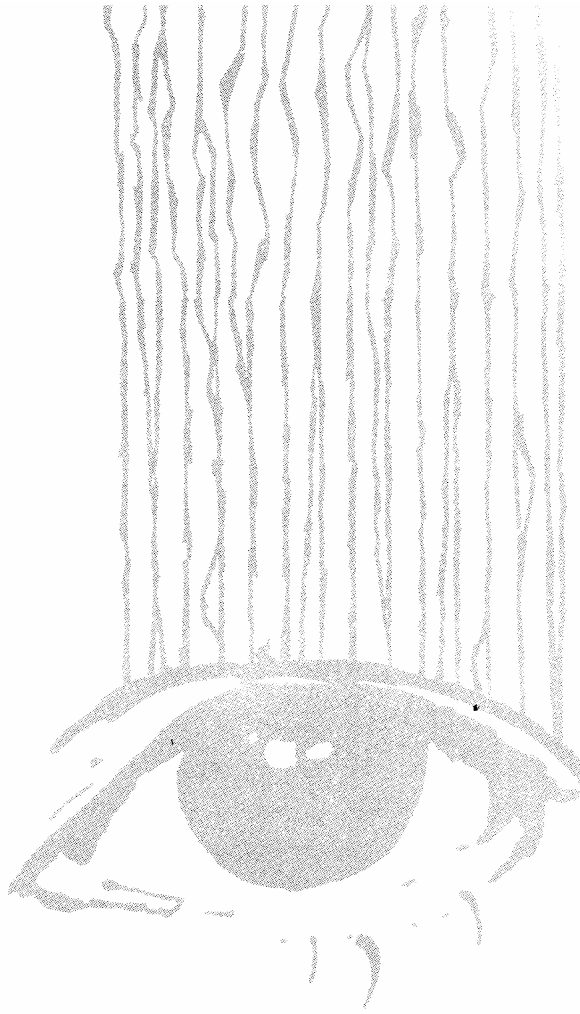


دیدگاهها



دیگر سکه» نامید. بهر حال نامه ایشان را در این ستون چاپ می‌کنیم و صد البته منتظر پاسخ احتمالی آن نیز برای درج در همین ستون هستیم. امید که این تریبون آزاد بتواند در ارتقاء سطح دارو درمانی مملکت مفید بوده و راهگشای تمامی همکاران در ارائه سرویس بهتر به بیماران باشد.

«سردبیر»

مقدمه:

همانگونه که قبلاً هم تذکر داده بودیم، صفحه دیدگاهها تریبون اظهار نظر همکاران و مخاطبین گرامی نشریه است و سعی ما بر این است که نقطه نظرات دوستان و یاران رازی را در آن منعکس نمائیم. آقای مسعود محمدی سراملو دانشجوی سال پنجم پزشکی نامه‌ای برایمان ارسال داشته که می‌توان نامش را «آنسوی



در حقیقت باید هم چنین باشد تا مانع نوشتن بی مورد داروهای متداخل باهم و با عوارض مختلف از طرف پزشکان مذکور گردیده و تا حدی موجبات مطالعه و افزودن بر بار علمی آنها را فراهم نمایند.

ولی چیزی که جالب توجه است این است که مجله محترم رازی در این مورد یک جنبه عمل می‌نماید و هیچ توجهی به خود آقایان دکتر داروساز داروخانه که با نهایت بی‌دقتی (منظورم عده‌ای قلیل است و مسئله عمومیت ندارد) وقتی دارویی در داروخانه نباشد و یا در دسترس نباشد اقدام به پیچیدن مشابه داروی مربوطه که در نسخه پزشک قید شده است می‌نمایند بدون اینکه به عوارض داروی مذکور توجهی داشته باشند که ممکن است که دو دارو دارای اثر درمانی مشابهی باشند ولی اغلب عوارض آنها با یکدیگر فرق می‌کند و ممکن است پیچیدن داروی مشابه در بعضی بیماران موجبات تشدید و وخامت بیماری را فراهم نماید و چون در این مورد نمی‌شود علیه دکتر داروخانه مدرکی ارائه نمود و یا مثل انعکاس نسخه پزشکان به طریق دیگری عملکرد آنها را نیز در مجله در معرض دیدشان قرار داد که چه خطای بزرگی از طرف عده‌ای از آنها سر می‌زند ناگزیر مسئله همیشه بحالت کتمان و در ابهام باقی میماند و مسئولیت آنها در کارشان زیر سؤال برده نمی‌شود.

می‌خواهم واقعیاتی را که نظایرش کم نیست و خودم بالعینه مشاهده کرده‌ام بازگو نمایم که شاید هم فقط در نظر بنده عجیب باشد و به نظر آقایان محترم مسئول داروخانه چیزی پیش پا افتاده و یا حتی عملی منطقی باشد!

با سلام و عرض خسته نباشید

حقیر از زمانیکه با مجله آشنا شده‌ام تلاشم بر این بود که به علت محتوای خوب مجله که در قالب مطالب علمی و اجتماعی ارائه میشود تمام شماره‌هایی که چاپ می‌شود را مطالعه نمایم چیزی که در اکثریت قریب باتفاق شماره‌های مجله به چشم می‌خورد انتقاد از پزشکانی است که بارها و بدون توجه به تداخلات و عوارض دارو، انواع و اقسام داروها را در نسخه بیمار قید می‌نمایند و بیمار را روانه داروخانه می‌نمایند که داروسازان محترم داروخانه‌ها نیز حق دارند برای اینکه موجبات هشیاری و توجه این پزشکان را فراهم سازند با انعکاس نسخه این پزشکان در مجله تا حدی ابعاد مسئله را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار دهند که

الغرض، چند روز پیش گذری به منطقه شهریار داشتم و بدیدار خواهرم و بچه‌هایش رفته بودم که متأسفانه خواهرم را که سابقه بیماری آسم داشت در حالت حمله آسم و بچه‌هایش را هم ناراحت ملاقات نمودم و سریع او را به درمانگاه شبانه‌روزی موجود در شهریار رساندم بدبختانه در خود درمانگاه خبری از آمپول آمینوفیلین و سرم قندی نبود و بناچار دکتر، مرا به همراه یک نسخه که شامل آمپول آمینوفیلین و سرم قندی و اسپری سالبوتامول و استامینوفن و چند تا ویتامین بود راهی داروخانه کرد. در دو داروخانه اول که سر زدم با کمال تأسف خبری از آمپول و سرم قندی نبود بناچار راهی داروخانه سوم که فکر می‌کنم آخرین و مجهزترین داروخانه این شهرستان هم بود، شدم و ایشان با کمال خوشوقتی نسخه را پیچیدند و بدون کوچکترین صحبتی با من نسخه را بدستم دادند و بنده با پرداخت بهای نسخه سریع خودم را به درمانگاه رساندم تا سرم قندی و آمپول آمینوفیلین را تزریق نمایند. نگاهی بداخل



محتویات نسخه انداختم ولی خبری از آمپول نبود به خود نسخه پزشک نگاه کردم دیدم که آقای دکتر داروخانه بدون توجه و بدون آنکه صحبتی از داشتن یا نداشتن داروی مربوطه با من بزنند با خط مشکی روی آمپول خط کشیده‌اند! به خود سرم توجه کردم دیدم که ای دل غافل بجای سرم قندی، سرم نمکی ارائه فرموده‌اند! به هر بدبختی که شده بود از خود درمانگاه فقط یک عدد سرم قندی ۱ لیتری - که چند تا بیمار هم خواهانش بودند و باید برای آنها تزریق میشد- موجود بود که آنهم به هر سماجی بود ما گرفتیم و راهی خانه شدیم و بقیه بیماران به امان خدا در درمانگاه سرگردان بودند.

بالاخره با پرس و جواز همسایه‌ها در آن موقع شب از داخل داروهای موجود در خانه یکی از آنها آمپول آمینوفیلین را پیدا کردم و با سرمی که از درمانگاه گرفته بودم به خواهر بیمارم تزریق نمودم و حالش بهتر شد و خنده سر لب بچه‌هایش نشست. روز بعد که می‌خواستم راهی خانه شوم خواهرم از من خواست دستور مصرف بقیه داروها را برایش بگویم، وقتی داروها را بدستم گرفتم تا برایش توضیح دهم که چگونه مصرف نماید با کمال تعجب نگاهم به ۲۰ تا آسپیرین MC خورد، که آقای دکتر داروساز داروخانه بعلت عدم وجود استامینوفن در داروخانه یا در دسترس نبودنش که تا برود و بیاورد و به مریض بدهد ممکن است قدری خسته شود از همان آسپیرین موجود در دم دستش داخل نسخه پیچیده است، کمی با خودم فکر کردم و مقداری ناراحت که هم از دیشب بود و امروز صبح هم افزوده شد که آیا این آقای دکتر داروساز که مسئولیت توزیع



فرقی نمی‌کند. بناچار به مرکز بهداشت شهرستان هم سری زدم و مسئله را بازگو کردم که چرا در مورد بیماران اینقدر اجحاف می‌شود و آیا در کل مسئولیت اینها به شما مربوط نمی‌شود؟ و در جواب فرمودند شما نسخه را بیاورید به همراه داروها، ما خودمان به داروخانه تذکرات لازم را میدهیم! و نمیدانم با کدام مدرک حتی می‌شود اثبات نمود که آقای دکتر شما این داروها را داده‌اید و این کارها را انجام داده‌اید و آنها قبول نمایند و به اشتباه خودشان اعتراف کنند؟! و از دست اندرکاران مجله محترم رازی تمنا می‌کنم حالا که در مجله فقط نسخه‌های پزشکها را مورد هدف قرار میدهید سراسله انتقاد را به آقایان داروسازها هم که در داروخانه به عنوان مسئول و مشاور دارویی فعال هستند، بگردانید و قدری هم در مورد کارهای آنها و عدم توجهات آنها و اینکه چطور می‌شود اطلاعات آنها را در مورد نسخه پیچی بالا برد صحبت نمایند.

با آرزوی توفیق و موفقیت شما در پیشبرد اطلاعات دارویی و انعکاس مطالب اجتماعی

مسعود محمدی سراملو

داشجوی پزشکی واحد پزشکی تهران سال پنجم

دارو به بیمار را برعهده دارند اینقدر کم لطفی می‌کنند و یا اصلاً اطلاعی ندارند که درست است که استامینوفن و آسپیرین اثری مشابه روی تسکین درد دارند ولی ممکن است عوارض اینها باهم یکسان نباشد و در بعضی بیماریها میشود اینها را بجای یکدیگر استفاده نمود و آیا نمیدانند و یا توجهی نمی‌کنند که آسپیرین وضع بیماران آسمی را بدتر می‌کند و نباید به آنها تجویز نمود؟ و آیا تکلیف آنهاست که اطلاعی از دارو ندارند و از عوارض آنها بی‌خبرند و با اعتماد به پزشک و داروساز فرزندانشان را چشم به انتظار داروخانه گذاشته و راهی مطب دکتر و بعد هم داروخانه می‌شوند اینقدر آقایان کم لطف باشند و آمپول را خط بزنند و بجای قرص، داروی مشابه با اثر بدتر کنندگی بیماری مربوطه و یا بجای سرم قندی، سرم نمکی و حتی بجای ۱۰۰ قرص کلسیم، یک شربت کلسیم و بجای ۱ لیتر سرم نمکی برای شستشوی بینی یک قطره سرم نمکی! و... که خودم بارها شاهدش بوده‌ام، میدهند. تکلیف این بیماری که روی داروی اصلی نسخه‌اش خط کشیده شده بدون آنکه خودش اطلاعی داشته باشد و یا داروهای مشابه با عوارض وخیم کنندگی بیماری به خوردشان می‌دهند چیست. آیا این در واقع از چاله درآوردن و به چاه انداختن نمی‌باشد؟! حتی همان روز برای آنکه مطمئن بشوم آقای دکتر اشتباه نکرده‌اند سری بداروخانه زدم و از آقای دکتر پرسیدم شما که این قرص‌ها را بجای داروی قید شده در نسخه داده‌اید آیا ممکن نیست برای فلان بیماری مضر باشد و ایشان با کمال خونسردی فرمودند که بنده جایی ندیده‌ام و این داروها هر دو مسکن درد و مشابه هم می‌باشند و هیچ